

برسے

اولین قیام ہمارے مردے علیہ بنے امیہ

بہ خونخواہے امام حسین (علیہ

السلام) در پیستان

تحقیق: محمد باقر حیدری نسب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قال رسول الله (ص):

«شهادت امام حسين (عليه السلام) يك داغ سوزانی در دل مومنین است كه هرگز به سردی نمی گراید.»

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص: ۳۱۸



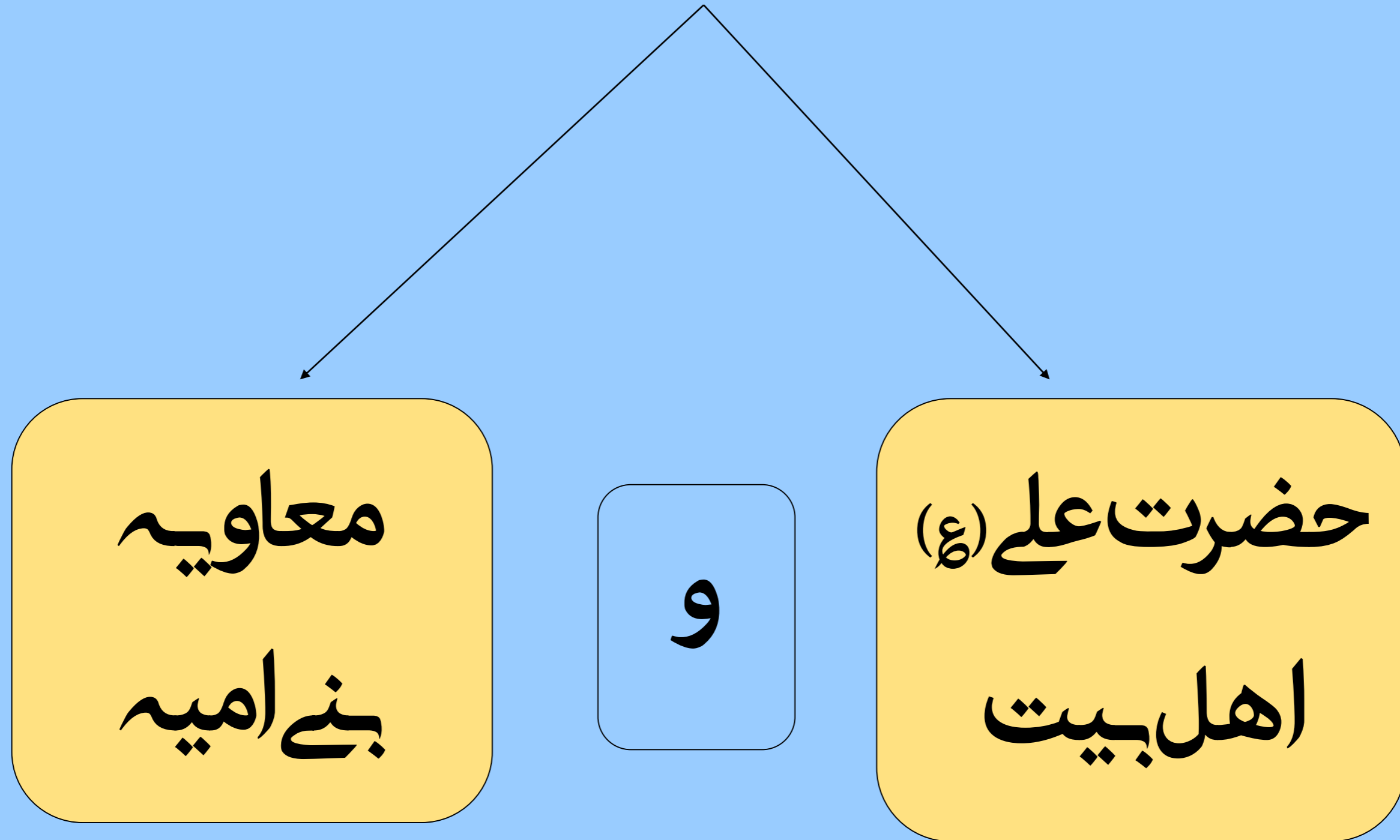
«مردم سیستان مردمی هستند که از لحاظ گذشته‌ی تاریخی در بین همه‌ی اقوام ایرانی که نظیرند. گذشته‌ی سیستان یک گذشته‌ی خیلی فوق‌العاده برجسته و درخشانی است.»

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای استان سیستان و بلوچستان ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

فضائے فکرے حاکم بر منطقہ

پیستان در قرن اول نسبت بہ



شهادت در رکاب امیرالمومنین (ع)

جنگ صفین تقابل بین دو فکر و اندیشه بوده است در جنگ صفین مردی از این خطه نام عمران که از اجداد ابی داود سجستانی از علمای اهل سنت است به یاری امام (ع) می شتابد و در رکاب آن حضرت به شهادت می رسد.

«وقتلِ عمران مع علی رضی الله عنه بصفین»

الإكمال ج ۱ ص ۲۹۵، تهذیب التهذیب ج ۴ ص ۱۶۹، تهذیب الکمال ج ۱۱ ص ۳۵۶، تاریخ مدینه دمشق ج ۲۲ ص ۱۹۱.



تهدید حاکم سیستان توسط بزرگان سیستان در سال 45 هـ

«چنان بود حال عبدالرحمن سمره [حاکم منصوب از جانب بنی امیه بر سیستان] اندر سه سال که همه نماز به جمع و قصر کردند؛ زیرا که بر یکجا قصد اقامت نکردند. چون عبدالرحمن خواست که به سیستان نشیند، مردمان سیستان، علماء، بزرگان و سالاران سیستان جمع شدند و گفتند: ما را باید که امامی به حق باشد چنان که سنت مصطفی صلی الله علیه و اکنون علی بن ابوطالب برجاست و معاویه تو را اینجا فرستادست و هشتاد هزار مرد از اهل تهلیل میان ایشان کشته شده. باید که این خطبه و نماز به حق باشد. پرین جمله که هست نیز رضا ندهیم - تاریخ سیستان، ص ۸۹.

«این مرد (معاویه) به خلافت لایق نیست و به خلافت او راضی نشویم چون تو را با ما حق آشنایی قدیم است دست از تعرض تو برداشتیم» احیاء الملوك، ص ۴۹ و ۵۰

پس عبدالرحمن گفت: من اکنون آنجا روم تا این کار بر جای قرار گیرد و باز اگر زندگانی باشد باز آیم. شما فرمان نگاه دارید و حق اسلام به کاردارید و عباد بن الحصین حبطی را جانشین گذاشت و خود به بصره رفت. تاریخ سیستان، ص ۸۹



عدم لعن امیرالمؤمنین با وجود بخشنامه از جانب حاکمیت بنی امیه

سب و لعن حضرت علی (ع) بر منابر و نمازها از سال ۴۱ هجری بعد خلع امام حسن (ع) از خلافت تا سال ۹۹ هجری ابتدای به حکومت رسیدن عمر بن عبدالعزیز یعنی حدود ۵۸ سال در دستور حاکمیت بنی امیه بود و به همه مناطق دستور بر لعن دادند و کسانی که مقاومت می کردند را مجازات می کردند اما مردم سیستان در برابر این بخشنامه مقاومت کردند و لب یه لعن امیرالمؤمنین نگشودند.

یاقوت حموی از علمای قرن هفتم هجری می نویسد «برتر از همه ی این اوصاف که [برای اهالی سیستان] ذکر شد آن است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در منابر شرق و غرب لعن می شد ولی در سیستان جز یک بار این اتفاق نیفتاد و چه افتخاری بالاتر از این که اهالی سیستان از فرمان بنی امیه سرپیچی کردند. حتی در پیمان نامه ی خود اضافه کردند که هیچ کس را بر منبرشان لعن نکنند... آن ها از فرمان ناسزاگویی به برادر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بر منبرشان سرپیچی کردند در حالی که آن حضرت را بر منابر مکه و مدینه لعن می کردند.»

معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۱، ، زکریا بن محمد بن محمود قزوینی (۶۸۲ ه.ق). آثار البلاد و اخبار العباد / ۲۰۲

...



استقامت بر عدم لعن و تقابل با حاکمیت در این موضوع

«هر چند متصدیان معاویه و آل مروان تکلیف سبّ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) به آن جماعت نمودند از این معنی ابا کردند و افسون و افسانه‌ی آن قوم قبول طبع سیستانیان نیفتاد. بالاخره از دارالظلم بنی‌امیه فرمان رسید چنانچه قبول امر نمایند از هر يك نفر يك مثقال طلا بازیافت نمایند و مردم بی‌اکراه آن وجه را ادا نمودند. رفته رفته آن وجه افزایش یافته و به ده مثقال طلا از هر نفر رسید. چون بنی‌امیه دریافتند که بالطوع و الرغبة هر چیز که طلب شود می‌دهند و مرتکب آن عمل شنیع نمی‌شوند، حکم کردند که در صورت امتناع در بازار سرهای زنان اکابر آنجا را بتراشند تا به گفتن آن کلمه‌ی زشت راضی شوند اما آن توفیق یافتگان به این امر راضی شدند و به سبّ حضرت امیر راضی نشدند. چون دیدند که به هیچ وجه به این گفت و گو هم‌داستان نشدند دست از ایشان داشتند. از آن زمان تا حال در محبت اهل بیت (علیهم السلام) راسخ و ثابت قدمند.

«ان الله لا يضيع اجر المحسنين» - احياء الملوك، ص ۹.

البته سیستانی‌ها اقداماتی در تقابل با حاکمیت ضد علوی انجام دادند به طوری که «حتی در پیمان‌نامه خود اضافه کردند که هیچ‌کس را بر منبرشان لعن نکنند... چه افتخاری بالاتر از این که آنها از فرمان ناسزاگویی به برادر رسول خدا (صل‌الله‌علیه‌و آله و سلم) بر منبرشان سرپیچی کردند در حالی که آن حضرت را بر منابر مکه و مدینه لعن می‌کردند.» - معجم البلدان، ج ۳، باب سجستان / ۱۹۱،



قیام‌هاے مردم سیستان در اعتراض بہ واقعہ کربلا

«پس چون این خبر (شہادت امام حسین (ع) و یاران او توسط بنی امیہ) بہ سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نہ نیکو طریقتی برگرفت یزید کہ با فرزندان رسول (علیہم السلام) چنین کرد. پارہ ای شورش اندر گرفتند. عبّاد، سیستان ہم بہ مردمان سیستان سپرد، بیست بار ہزار ہزار درہم اندر بیت‌المال جمع شدہ بود از غنائم کابل و دیگر مالہا برگرفت و بہ بصرہ باز شد. عبیداللہ بن زیاد برادر خویش یزید بن زیاد را و دیگر برادر بوعبیدہ زیاد را بہ سیستان فرستاد اندر اول سنہ ی اثنی و ستین.»

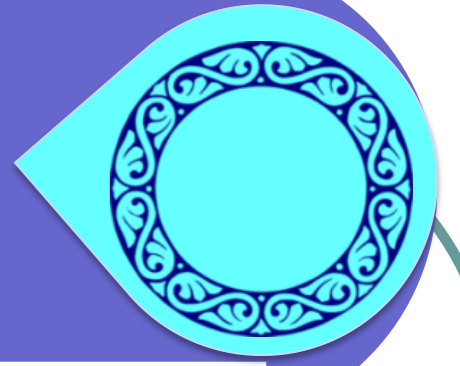
تاریخ سیستان، ص ۱۰۰



صحت و سقم یک واقعه تاریخی را از
طرق مختلفی می توان ثابت کرد؛ یکی
از این راه ها، استفاده از شواهد
تاریخی در تائید یا رد آن واقعه است.

شواهد تاریخی بر تائید قیام مردم سیستان بعد از شهادت امام حسین (علیه
السلام وجود دارد که بیان خواهد شد.

اعتبار مطالب کتاب تاریخ سیستان



تاریخ سیستان از جمله بهترین آثار نثر پارسی قرن ۵۰۴ هجری به شمار می آید

فصل نامه ی تفصیلی تملیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی مقاله تملیل و نقد و مقایسه دستوری دو بخش کتاب تاریخ سیستان ص ۵۵

کتاب تاریخ سیستان در بیان وقایع سیستان به روزگار کشورگشایی اعراب مسلمانان ، فرمانروائی حاکمان عرب در دو قرن نخست اسلامی و حکومت طاهریان به عنوان منبعی مهم به شمار می رود

شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام ص

اطلاعات مولف در مورد برخی از رخدادها ی سیاسی، مذهبی و اجتماعی در سیستان بسیار با ارزش هستند.

مقاله نگاهی به تاریخ نگاری تاریخ سیستان ص ۱۴

گذشته از مزیت های ادبی که گذشت و بعد از مطالعه کتاب بیشتر از آنچه گفته شد خوانندگان را بنظر خواهد رسید، این کتاب را مزایائی است تاریخی که بسی سودمند و قابل توجه و مفید بعلم تاریخ است

محمد تقی ملک الشعراء بهار مقدمه ی کتاب تاریخ سیستان، صفحه: ۳۱.

این کتاب، کتابی ارزشمندی درباره رویدادهای ایران در سده ی نخستین اسلامی است.

شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام ص ۱۳

۱- استفاده مولف تاریخ سیستان از منابع ارزشمندی که امروزه بسیاری از آنها در دسترس نیستند

۲- می توان آن را عرض یکی از سه کتاب قدیم نثر فارسی: تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی و تاریخ گردیزی که فعلا معروف اند شمرد و بلکه چنانکه خواهیم گفت ترکیبات و لغات و اصطلاحاتی درین کتاب هست که آن را از بیهقی و گردیزی هم کهنه تر می نماید.

محمد تقی ملک الشعراء بهار مقدمه ی کتاب تاریخ سیستان ص ۹

تاریخ سیستان، ص ۱۰۰



عقبه ولایي مؤید این نقل تاریخی

پیشینه بیست سال قبل از حادثه کربلا که در مردم سیستان گزارش شده می‌تواند یک دست مایه باشد برای تحقق آنچه که درباره قیام مردم سیستان بعد از حادثه کربلا نقل شده. و انسان يك وقت تحقیق تاریخی درباره عملکرد منطقه ای نقل می‌کند اما وقتی تحلیل تاریخی می‌کند زمینه لازم را در آنجا نمی‌بیند اما با توجه به نکاتی که عرض شد می‌توان گفت این زمینه در این ناحیه وجود داشته و لذا گزارش تاریخ سیستان را در ارتباط با واکنش اعتراض آمیز مردم سیستان به شهادت اباعبدالله الحسین(علیه السلام) و یارانش را برای ما مقبول کند و نقلی که هرچند متفرد است ما در نقل‌های تاریخی به صرف نقل و منبع و سند اکتفا نمی‌کنیم بلکه به سراغ مؤیدات و قرائن و شواهد می‌رویم.

(برگرفته از مصاحبه دکتر جباری هیئت علمی موسسه امام خمینی(ره))

تطبیق متن تاریخ سیستان درباره ی قیام
با دیگر منابع تاریخی

حاکمیت عباد بن زیاد بر سیستان در سال ۶۱ هجری

تاریخ الطبری، ج ۵، ص: ۴۷۱، الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص: ۹۶ و...



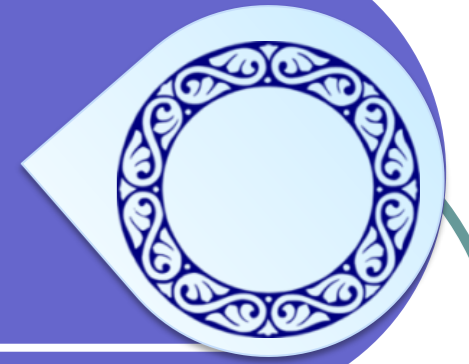
«پس چون این خبر (شهادت امام حسین (ع) و یاران او) به سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نه نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان رسول (علیهم السلام) چنین کرد. پاره ای شورش اندر گرفتند. **عباد، سیستان** هم به مردمان سیستان سپرد، بیست بار هزار هزار درهم اندر بیت المال جمع شده بود از غنائم کابل و دیگر مالها برگرفت و به بصره باز شد. عبیدالله بن زیاد برادر خویش یزید بن زیاد را و دیگر برادر بوعبیده زیاد را به سیستان فرستاد اندر اول سنه ی اثنی و ستین.»

فتوح البلدان، ص: ۳۸۵

پس از مرگ زیاد، عباد بن زیاد از سوی معاویه به ولایت سیستان رسید. هنگامی که یزید بن معاویه ولایت یافت سلم بن زیاد را به ولایت خراسان و سجستان گمارد و سلم برادر خود یزید بن زیاد را والی سجستان کرد.



وجود نا امنی در سیستان و تحرکاتی علیه حاکمیت بعد شهادت
امام حسین در منطقه (تاریخنامه طبری ج ۴/ ۷۱۶)



«پس چون این خبر (شهادت امام حسین(ع) و یاران او) به سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نه نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان رسول(علیهم السلام) چنین کرد. **پاره ای شورش اندر گرفتند.** عبّاد، سیستان هم به مردمان سیستان سپرد، بیست بار هزار هزار درهم اندر بیت المال جمع شده بود از غنائم کابل و دیگر مالها برگرفت و به بصره باز شد. عبیدالله بن زیاد برادر خویش یزید بن زیاد را و دیگر برادر بوعبیده زیاد را به سیستان فرستاد اندر اول سنه ی اثنی و ستین.»

یکی از عواملی که عبیدالله و به تبع آن عبّاد عزل شد شورش هایی بود که در سیستان صورت گرفته

«عبید الله کس فرستاد به یزید که من ترا از سلم بهترم. یزید گفت: مرا سلم بهتر از تو. عبید الله گفت: من خود بروم و با کافران و ترکان جنگ کنم»

تاریخنامه طبری ج ۴ / ۷۱۶

تاریخ سیستان، ص ۱۰۰



ارتباط تغییر حاکمیت بصره بر سیستان و خراسان و به تبع آن تغییر
حاکم سیستان با واقعه ی کربلا الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص: ۹۶



یزید عبید الله زیاد را کوفه و سواد عراق داد از بهر کشتن حسین، و بصره خود او را بود، و خراسان و سیستان به وقت معاویه عبید الله بن زیاد را بود، و یزید از او بازگرفته بود. چون حسین را بکشت، عبید الله چشم همی داشت که بدو باز دهد و نداد.

عبید الله بن زیاد به عباد برادرش که دوستدار وی بود نامه نوشت و ولایتداری سلم را به او خبر داد. عباد همه ی اموال بیت المال را برداشت میان غلامان خویش تقسیم کرد و آن گاه آنچه اضافه آمد آنها را به عنوان پیش پرداخت به دیگران داد آنگاه عباد از

سیستان در آمد.

تاریخنامه، طبری، ج ۴ / ۷۱۶

تاریخ الطبری، ج ۵، ص: ۷۲ و ۷۱

«پس چون این خبر (شهادت امام حسین (ع) و یاران او) به سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نه نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان رسول (علیهم السلام) چنین کرد. پاره ای شورش اندر گرفتند. عباد، سیستان هم به مردمان سیستان سپرد، بیست بار هزار هزار درهم اندر بیت المال جمع شده بود از غنائم کابل و دیگر مالها برگرفت و به بصره باز شد. عبیدالله بن زیاد برادر خویش یزید بن زیاد را و دیگر برادر بوعبیده زیاد را به سیستان فرستاد اندر اول سنه ی اثنی و ستین.»

تاریخ سیستان، ص ۱۰۰



خروج عباد از سیستان بعد شهادت امام حسین (علیه السلام)
(تاریخ الطبری، ج ۵، ص: ۴۷۱، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص: ۹۶)



«پس چون این خبر (شهادت امام حسین (ع) و یاران او) به سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نه نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان رسول (علیهم السلام) چنین کرد. پاره ای شورش اندر گرفتند. **عباد، سیستان هم به مردمان سیستان سپرد**، بیست بار هزار هزار درهم اندر بیت المال جمع شده بود از غنائم کابل و دیگر مالها برگرفت و به بصره باز شد. عبیدالله بن زیاد برادر خویش یزید بن زیاد را و دیگر برادر بوعبیده زیاد را به سیستان فرستاد اندر اول سنه ی اثنی و ستین.»

تاریخ سیستان، ص ۱۰۰

تاریخ طبری، ج ۵، ص: ۴۷۱

عبید الله بن زیاد به عباد برادرش که دوستدار وی بود نامه نوشت و ولایتداری سلم را به او خبر داد. عباد همه ی اموال بیت المال را برداشت میان غلامان خویش تقسیم کرد و آن گاه آنچه اضافه آمد آنها را به عنوان پیش پرداخت به دیگران داد آنگاه عباد از سیستان در آمد.



بی حاکم بودن سیستان در برهه ای از زمان
(تاریخ الطبری، ج ۵/۴۷۲ و الكامل فی التاريخ، ج ۴/۹۶، ترجمه
تاریخ ابن خلدون ج ۲/۲۱۷)



«پس چون این خبر (شهادت امام حسین (ع) و یاران او) به
سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نه
نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان
رسول (علیهم السلام) چنین کرد. پاره ای شورش
اندر گرفتند. عبّاد، **سیستان هم به مردمان**
سیستان سپرد، بیست بار هزار هزار درهم
اندر بیت المال جمع شده بود از غنائم کابل
و دیگر مالها برگرفت و به بصره باز شد.
عبیدالله بن زیاد برادر خویش یزید بن زیاد
را و دیگر برادر بوعبیده زیاد را به سیستان
فرستاد اندر اول سنه ی اثنی و ستین.»

تاریخ سیستان، ص ۱۰۰

تاریخ الطبری، ج ۵، ص: ۴۷۱

عبید الله بن زیاد به عباد
برادرش که دوستدار وی بود
نامه نوشت و ولایتداری سلم
را به او خبر داد. ... آنگاه عباد
از سیستان در آمد.

و چون به جیرفت رسید خبر
یافت که سلم آنجاست،
کوهی میانشان فاصله بود، و
از راه بگشت.

بنابه شواهد حدود یک ماه سیستان
بدون حاکم ماند چرا که چنانچه
شخصی از سیستان به جیرفت می
رفت بر اساس محاسبات مسافت حدود
۱۵ روز طول می کشید و آمدن سلم با
یزید بن زیاد نیز هم مدت زمان را در
بر می گرفت.





جمع کردن اموال غنائم و خروج آن غنائم از سیستان
(تاریخ الطبری، ج ۵/۴۷۱، الكامل فی التاريخ، ج ۴/۹۶، نهاية الأرب فی فنون
الأدب/ ۲۰ و ۳۰ و ۴۸...)

«پس چون این خبر (شهادت امام حسین (ع) و یاران او) به
سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نه نیکو
طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان
رسول (علیهم السلام) چنین کرد. پاره ای شورش اندر
گرفتند. عباد، سیستان هم به مردمان سیستان
سپرد، بیست بار هزار هزار درهم اندر
بیت المال جمع شده بود از غنائم کابل و دیگر
مالها برگرفت و به بصره باز شد. عبیدالله بن
زیاد برادر خویش یزید بن زیاد را و دیگر
برادر بوعبیده زیاد را به سیستان فرستاد اندر
اول سنه ی اثنی و ستین.»

ترجمه، تاریخ الطبری، ج ۷، ص: ۸۸ و ۸۹

عباد هر چه را در بیت
امال بود میان غلامان
خویش تقسیم کرد که
چیزی فزون آمد و بانگزن
وی بانگ زد که هر که
پیش پرداخت می خواهد
بگیرد و هر کس پیش وی
آمد پیش پرداخت گرفت.
آنگاه عباد از سیستان در
آمد و چون به جیرفت
رسید خبر یافت که سلم
آنجاست، کوهی میانشان
فاصله بود، و از راه بگشت.
در آن شب يك هزار غلام
عباد برفتند که دست کم با
هر یکیشان ده هزار بود.

تاریخ سیستان، ص ۱۰۰



انتخاب یزید بن زیاد توسط سلم بن زیاد به حاکمیت سیستان و اشتباه بودن انتخاب آن توسط عبید الله



«پس چون این خبر (شهادت امام حسین (ع) و یاران او) به سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نه نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان رسول (علیهم السلام) چنین کرد. پاره ای شورش اندر گرفتند. عبّاد، سیستان هم به مردمان سیستان سپرد، بیست بار هزار هزار درهم اندر بیت المال جمع شده بود از غنائم کابل و دیگر مالها برگرفت و به بصره باز شد.

عبیدالله بن زیاد برادر خویش یزید بن زیاد را و دیگر برادر بوعبیده زیاد را به سیستان فرستاد اندر اول سنه ی اثنی و ستین.»

تاریخ سیستان، ص ۱۰۰

أنساب الأشراف، ج ۵، ص: ۷۳، تاریخ الطبری، ج ۵، ص: ۴۷۱-۴۷۳

تنها نکته ای که به نظر می رسد اشتباه باشد فرستادن یزید بن زیاد توسط عبید الله به دلیل اینکه همان طور که بیان شد یزید بن معاویه ولایت سیستان و خراسان را از عبید الله سلب و به سلم بن زیاد سپرد و لذا دیگر عبید الله اختیاری نسبت به حاکمیت سیستان نداشته اند.

سلم بن زیاد، یزید بن زیاد را به ولایت سیستان گماشته شد او را دشمن کشت.

گوید: سلم برادر خویش یزید بن زیاد را سوی سیستان فرستاد.

و لما استعمل یزید بن معاویه سلم بن زیاد علی خراسان استعمل أخاه یزید علی سجستان

فتوح البلدان، ص: ۸۵، الکامل، ج ۴، ص: ۹۵ و ۹۷



همراهی ابو عبیده زیاد با یزید بن زیاد در سیستان
(الکامل فی التاریخ، ۴ / ۹۷، المعارف / ۳۴۸)



«پس چون این خبر (شهادت امام حسین (ع) و یاران او) به سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نه نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان رسول (علیهم السلام) چنین کرد. پاره ای شورش اندر گرفتند. عبّاد، سیستان هم به مردمان سیستان سپرد، بیست بار هزار هزار درهم اندر بیت المال جمع شده بود از غنائم کابل و دیگر مالها برگرفت و به بصره باز شد. عبیدالله بن زیاد برادر خویش یزید بن زیاد را و دیگر برادر **بوعبیده زیاد** را به سیستان فرستاد اندر اول سنه ی اثنی و ستین.»

الکامل فی التاریخ، ۴ / ۹۷

چون یزید بن معاویه سلم بن زیاد را بامارت و ایالت خراسان و سیستان برگزید او یزید برادر خود را بنیابت خویش به فرماندهی سیستان منصوب نمود. اهالی کابل عهد خود را شکسته ابا عبیده بن زیاد را گرفتار کردند. یزید بن زیاد با لشکر زیاد جنگ کردند و پس از نبرد و دادن تلفات بسیار از میدان گریختند.



خروج عباد از سیستان و حضور یزید بن زیاد در اوایل سال ۶۲
 (با استفاده از کتب تاریخ دمشق، ج ۲۶ / ۲۳۴. تاریخ خلیفه بن فیاط / ۲۱۹ با کتاب
 المعارف ابن قتیبه / ۳۴۸).



«پس چون این خبر (شهادت امام حسین (ع) و یاران او) به سیستان آمد، مردمان سیستان گفتند: نه نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان رسول (علیهم السلام) چنین کرد. پاره ای شورش اندر گرفتند. عباد، سیستان هم به مردمان سیستان سپرد، بیست بار هزار هزار درهم اندر بیت‌المال جمع شده بود از غنائم کابل و دیگر مالها برگرفت و به بصره باز شد. عبیدالله بن زیاد برادر خویش یزید بن زیاد را و دیگر برادر بوعبیده زیاد را به سیستان فرستاد **اندر**

اول سنه ی اثنی و ستین.»

تاریخ سیستان، ص ۱۰۰

تاریخ دمشق، ج ۲۶ / ۲۳۴، المعارف، ص ۳۴۸.

معاویه در سال ۵۳ هجری عباد را به حاکمیت سیستان می‌گمارد. ابن قتیبه از مورخین اهل سنت مدت‌زمان حکومت عباد را ۹ سال برشمرده شده است: «عباد بن زیاد فکنیته أبو حرب و ولی لمعاویة، سجستان تسع سنین.» پس پایان حکومت وی سال ۶۲ هجری بوده است و این منافات ندارد که سال ۶۱ هجری عباد از حکومت عزل شده کما اینکه طبری عزل او در وقایع سال ۶۱ بیان می‌کند چرا که عوامل مختلفی موجب شد تغییر حاکمیت اتفاق بیفتد از جمله ممانعت عبیدالله تسلیم حاکمیت و ارسال شخصی به طرف یزید برای انصراف آن و آمدن جواب بعد مسافتی که بین بصره تا سیستان هست و حدود دو ماه طول می‌کشد تا شخص از آنجا خود را به سیستان برساند و... تا خروج عباد به تاخیر بیفتد.

تاریخنامه طبری، ج ۴ / ۷۱۶



عدم وجود معارضه بر رد این واقعه

در هیچ یک از منابع حدیثی یا مطلبی تاریخی که دال بر تنافی این ارادت یافت نشد
در هیچ یک از کتب تاریخ شواهدی در نفی این موضوع جز یک روایت یافت نشده است؛ از این رو
دلیلی بر رد این موضوع به استناد شواهد تاریخی وجود ندارد.
فقط یک روایت با سه سند به امام صادق (علیه السلام) بر دشمنی مردم سیستان با اهل بیت نسبت
داده اند که در کتاب الخصال، ج ۲، ص: ۵۰۶ و ۵۰۷ آمده است.

اولا ضعف سندی دارد

در طریق اول: أحمد بن الحسن القطان هست که رجالیون او را جزو ضعفا شمرده اند. تمیم بن بهلول
نیز مجهول است و ابو معاویه الضریر هم متهم به تدلیس است.

در طریق دوم، بکر بن عبد الله بن حبيب ضعيف است عبد الله بن محمد بن ناطويه و علي بن عبد
المؤمن الزعفراني الكوفي و سلم بن خالد الزنجي در کتب رجالی جزو مجهولین آورده شده است.

در طریق سوم بکر بن عبد الله بن حبيب ضعيف است. الحسن بن سنان و پدرش مجهول اند و نسبت
به محمد بن خالد البرقي بين رجالیون اختلاف نظر است و بعضی چون نجاشی او تضعیفش کردند و
مسلم بن خالد از اصحاب امام صادق (علیه السلام) مجهول است.

- ساعدی، حسین، الضعفاء من رجال الحديث؛ ج ۱/۳۰۲، - اعرجی کاظمی، محسن بن حسن، عدة الرجال ج ۲/۳۷، - مامقانی، عبدالله، تنقيح المقال في
علم الرجال (رحلي)، الفهرست ج ۱/ ۲۱



ثانیا ضعف محتوایی دارد

در این روایت ۱۳ صنف از مردم مسلمان را دشمن اهل بیت می‌داند که به آنها اشاره می‌شود: کسانی که خلقت زیادی دارند یا ناقص‌الخلقه هستند و یا چشم راست آنها کور مادرزاد است و یا مردان سیاه مو و مردان سیاه‌رنگ و مردان کچل و مردان کبود چشم و چشم ریز، مردانی که بیماری پیسی دارند، مردان زنازاده که كودك سرراهی بوده‌اند، مبتلایان به بیماری خوره و مردانی که مفعول واقع شدند، مردم شهرهای سیستان، ری، زوراء، موصل.

چگونه ممکن است که امام معصوم جمع کثیری از مردم را به خاطر نقصی که در جسم آنهاست اعم از زیادت یا کم داشتن عضو یا چون اهل شهری هستند از زمره دشمنان خویش محسوب کنند؟!، قطعاً این روایت است و با هدف بدبین کردن مردم به اهل بیت آمده است.



ثالثا شواهد حاكي از محبت مردم سيستان به اهل بيت در عصر امام صادق(ع) دارد.
۱- ضرب سكه در عصر امام صادق(عليه السلام) در سيستان و استناد به آيه مودت «قل
لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» و عنوان آل محمد(ع) در اين سكه‌ها حاكي از
همسويي جامعه با اهل بيت دارد.



درهم، ضرب شده به سيستان، در سال ۱۳۲ ق
رو: لا اله الا الله، وحده لا شريك له / بسم الله، ضرب هذا الدرهم بسجستان سنه اثنتين و
ثلاثين و مائه / قل لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى
پشت: الله احد الله الصمد لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد / محمد رسول الله ارسله
بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون



مردمانی از سیستانی نزد امامان شیعه (علیهم السلام) رفت و آمد داشتند، و نام آنها در کتب رجالی و حدیثی ثبت شده که خود حاکی از وجود ارادت مردم سیستان به اهل بیت دارد.

۱- حبیب سجستانی - حبیب بن المعلی سجستانی از یاران امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام ۲- ایوب سجستانی - ایوب بن ابی تمیمه - (م ۱۳۱ ق) از یاران امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) ۳- عمار سجستانی - ابو عاصم عمار بن عبدالحمید از یاران خاص امام صادق (علیه السلام)

۴- حماد بن زید (م ۱۷۹ هـ) از یاران امام صادق (علیه السلام) ۵- محمد بن حماد بن زید از یاران امام صادق (علیه السلام) ۶- سالم بن ابی سلمه کندی سجستانی از یاران امام صادق (علیه السلام) و... و نیز حضور حریر بن عبدالله سجستانی از یاران خاص امام صادق (علیه السلام) در سیستان و رهبری جمعی از شیعیان سیستانی و مبارزه شیعیان با خوارج نهروانی به جهت سب امیرالمؤمنین در یکی از شهرهای سیستان خود شاهد دیگری بر این مدعی است. مفید، محمد بن محمد، اختصاص / ۲۰۷

روایات، خبر از ورود قومی از اهالی سیستان جهت سؤالات شرعی خدمت ائمه (علیهم السلام) دارد. حضور به محضر مبارک امام جعفر صادق (ع) حریر بن عبدالله گوید: «نزد امام صادق بودم که گروهی از اهالی سجستان وارد شدند و درباره درهم‌های ناخالص سؤال کردند. امام فرمودند: در صورتی که در شهر رایج است اشکالی ندارد.» کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱۰ / ۳۴۷.



دفع یک شبهه

اشکال: برادر دیگر عبیدالله بر سیستان حاکم شده بنابراین انتخاب فرزند دیگر زیاد حاکی از عدم ارتباط این موضوع با قیام است.

جواب: در خانواده زیاد بعضی عبیدالله را به خاطر واقعه کربلا سرزنش کردند از جمله عثمان بن زیاد برادر عبیدالله گفت: «به خدا دلم می‌خواست در بینی هر یک از بنی زیاد تا به روز رستاخیز، حلقه مهاری بود، اما حسین کشته نشده بود.» و نیز مرجانه مادر عبیدالله نیز از معترضین به عمل عبیدالله بود. - (ترجمه تاریخ طبری ج ۷، ۳۰۸۲- تاریخ اسلام از سقیفه تا کربلا ص ۴۷۶)

بین سلم و عبیدالله تفاوت فکری و دشمنی بوده است «ولی یزید ابن معاویه سلم بن زیاد خراسان، وکان بینه و بین أخیه عبیدالله بن زیاد عناد شدید» البلدان/۱۳۱
اما روابط بین عبیدالله و عباد دوستانه بوده است

فکتب عبیدالله بن زیاد إلى عباد أخیه - وکان له صديقاً - یخبره بولاية سلم، فقسم عباد ما فی بیت المال فی عبیده تاریخ الأمم والرسول والملوک - الطبری ج ۳ ص ۳۴۵، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص: ۹۶

ضمن اینکه سلم زمان معاویه سابقه ی حاکمیت بر سیستان را داشته است و با افکار مردم سیستان آشنا بوده است (ترجمه تاریخ طبری ج ۵/۲۰۱۵)

مدح سلم در کتب تاریخی و رجالی

ابن قتیبه ی دینوری درباره ی سلم نقل کرده است: «اما سلم بن زیاد فکنیته أبوحرب وکان أجود بنی زیاد.» طبری هم در این زمینه نوشته است: «مردم خراسان هیچ امیری را مانند سلم بن زیاد دوست نداشته‌اند و در آن سال‌ها که سلم در خراسان بود بیش‌تر از بیست هزار مولود را به خاطر دوستی که با

سلم داشتند، سلم نام کردند.» - المعارف، ۳۴۸- ترجمه ی تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۱۷۲.



تأیید این واقعه توسط برخی از مورخین و صاحب نظران معاصر

- مرحوم حجت الاسلام والمسلمین علی دوانی نویسنده کتاب افتخارات مردان مرد سیستان در دفاع از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اعتراض به فاجعه کربلا بر این موضوع صحنه می‌گذارد.
- از اساتید دانشگاهی که این موضوع را تأیید و تأکید بر ثبت کرده‌اند می‌توان
- به نامه‌های دکتر محمدحسین رجبی دوانی مورخ و تاریخ دان، رئیس بنیاد ایرانشناسی کشور
- آیت الله محمد هادی یوسفی غروی از علمای حوزه علمیه قم و مسئول مرکز پژوهش‌های تاریخ اسلام
- دکتر ایرج افشار سیستانی، پیشکسوت ایرانشناسی
- دکتر محمدرضا سنگری نویسنده و پژوهشگر در حوزه عاشورا پژوهی
- دکتر محمدعلی چلونگر، استاد تمام تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان،
- دکتر اصغر منتظر القائم استاد تمام تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان،
- حجت الاسلام والمسلمین مهدی پیشوایی، مورخ و مدیرگروه تاریخ موسسه امام خمینی،
- حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا جباری، دانشیار تاریخ اسلام موسسه امام خمینی،
- دکتر عباس احمدوند، دانشیار تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه شهید بهشتی
- و دکتر سید مسعود شاهمرادی استادیار تاریخ اسلام و پژوهشگر تاریخ تشیع علوم پزشکی زنجان
- دکتر فاطمه جان احمدی استاد تمام تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس و سردبیر مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام



دکتر پروین ترکمنی آزاد استاد تمام تاریخ اسلام پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران
حجت الاسلام و المسلمین مهدی طائب، استاد حوزه علمیه قم و تحلیل‌گر تاریخ اسلام
حجت الاسلام والمسلمین مسعود عالی، استاد درس خارج حوزه علمیه قم
دکتر سید حسین فلاح زاده دانشیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم،
دکتر اصغر قائدان دانشیار تاریخ اسلام دانشگاه تهران،
دکتر هادی وکیلی دانشیار تاریخ معاصر ایران دانشگاه فردوسی
دکتر علی ناظمیان فرد دانشیار تاریخ اسلام و تشیع دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر مهران اسماعیلی، استادیار تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه شهید بهشتی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر غلامحسن محرمی استادیار تاریخ اسلام دانشگاه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا احمدی‌ندوشن، استادیار دانشگاه کاشان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی امین رستمی، هیأت علمی گروه تاریخ موسسه امام خمینی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا رمضان‌نرگسی، استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن رنجبر، هیأت علمی گروه تاریخ موسسه امام خمینی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جواد سلیمانی امیری، هیأت علمی گروه تاریخ موسسه امام خمینی
دکتر اصغر فروغی ابری، دانشیار تاریخ، دانشگاه اصفهان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد منتظری مقدم، هیأت علمی گروه تاریخ موسسه امام خمینی،
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالرضا عرب ابوزیدآبادی، استاد حوزه علمیه قم و پژوهشگر تاریخ اسلام و اهل